



مبانی حج ابراهیمی

از دیدگاه امام خمینی «ره»*

محمد محمدی ری شهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ»^۱

حج امسال، نخستین حجی است که زائران ایرانی، پس از امام راحل، بنیانگذار حج ابراهیمی در ایران اسلامی، به خواست خدا برگزار خواهند کرد و این کنگره عظیم، نخستین کنگره حج در کنار مرقد مطهر امام امت - رضوان الله تعالی علیه - است. قطعاً روح مطهر آن بزرگوار در انتظار است که ملاحظه کند: مراسم باشکوه حج امسال چگونه برگزار می شود؟

*. متن سخنرانی نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج، حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری در مورخه ۱۳۷۰/۲/۳۱ در کنار مرقد مطهر امام خمینی «ره».

به این مناسبت و با عنایت به اینکه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیه الله خامنه ای مدظله العالی تأکید دارند که تمام رهنمودهای رهبر راحل، با همه امکانات به اجرا درآید، تصمیم گرفتم در این محفل منور و مقدّس که عمده کارگزاران حج - اعم از روحانیون و پزشکان و مدیران کاروانها و همه خدمتگزاران حجاج ایرانی - حضور دارند، موضوع سخن خود را «مبانی حج ابراهیمی از دیدگاه امام خمینی» قرار دهم.

مکرر در سخنرانیها و مصاحبه ها که در رابطه با حج انجام می شود، بر حج ابراهیمی تکیه و تأکید می شود ولی کمتر بطور دقیق، حد و مرز و مبانی آن بررسی شده که بالأخره «حج ابراهیمی چیست؟» و «تفاوت آن با حج غیرابراهیمی کدام است؟»

بنابراین چقدر مناسب و زیبا است این کنگره عظیم حج که در کنار مزار مطهر امام عزیز - که هر چه این ملت دارد و هر چه انقلاب اسلامی برای این ملت به ارمغان آورده، در پرتو برکت این وجود مطهر است - برگزار می شود موضوع صحبتمان این مسأله مهم باشد.

البته این بحث مفصل و گسترده ای است که تصور نمی کنم بتوانم در این جلسه آن را به پایان برسانم، ولی امیدوارم در مناسبت های دیگری بطور مستوفی پیرامون آن صحبت کنم.

حج ابراهیمی چیست؟

حج ابراهیمی همان حج واقعی است که خداوند تبارک و تعالی تشریح کرد و به ابراهیم خلیل - ع - دستور داد که «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ». و در عصر رسول الله - ص - این حج توسط پیامبر اسلام تجدید حیات یافت. ولی با کمال تأسف، پس از رسول الله، با گذشت مدت کوتاهی از رحلت آن بزرگوار، حج ابراهیمی به بوته فراموشی سپرده شد و مسلمانان

صدر اسلام نتوانستند آن را در جامعه اسلامی تداوم دهند، تا اینکه پس از چهارده قرن، سلاله پاک و مطهر ابراهیم - ع - و محمد - ص - در جامعه ما ایرانیان خاطره پرشکوه آن حج را تجدید نمود و ما از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که به ما توفیق دهد که حج را آنطور که امام عزیز ترسیم کرده است برگزار کنیم و خدای نخواستہ، مانند مسلمانان صدر اسلام، پس از امامان خاطره پرشکوه آن را به فراموشی نسپاریم.

در کلمات امام عزیز از حج واقعی، گاه تعبیر به «حج ابراهیمی» شده و گاه تعبیر به «حج ابراهیمی - محمدی - ص -»، در مقابل حج غیر ابراهیمی که مناسبترین نام در این مقطع از تاریخ اسلام که بتواند نمایانگر واقعیت حج غیر ابراهیمی باشد، نام «حج آمریکایی» است که طرفداران اسلام آمریکایی این گونه حج را ترویج می‌کنند.

این حج فقط صورتی از مناسک و اعمال حج را دارد. معنا و محتوای حج با این صورت، نه تنها بی‌خاصیت و بی‌ثمر است، بلکه به دلیل اینکه در جهت اهداف شوم دشمنان اسلام و دشمنان حج ابراهیمی است، برای اسلام و جامعه اسلامی زیان‌آور نیز می‌باشد.

از نظر امام عزیز، حج ابراهیمی با حج آمریکایی از ریشه متفاوت است، هم از نظر فلسفه و هم از نظر محتوی، هم از نظر حاجی و زائران بیت‌الله و هم از نظر کارگزاران حج.

فلسفه حج از دیدگاه امام چیست؟ محتوای حج باید چه باشد؟ کارگزاران حج و خدمتگزاران زائرین باید چگونه بیندیشند و چگونه عمل کنند؟ و حجاج بیت‌الله اگر بخواهند حجتشان حج واقعی و حج ابراهیمی باشد، باید چگونه عمل کنند؟

بنده دیدگاه امام را از پیامها، سخنرانیها و اعلامیه‌هایی که به این مناسبت داده‌اند مطالعه و جمع‌بندی کرده‌ام و اکنون خلاصه آن را خدمت

عزیزان عرض می‌کنم و توصیه من به همه زائران، خصوصاً برادران روحانی این است که: پیامها و اعلامیه‌های امام را که به صورت دو جلد کتاب چاپ شده، تهیه کرده و مطالعه کنند.

فلسفه حج آمریکایی

فلسفه حج آمریکائی، چیزی جز یک سفر سیاحتی و زیارتی نیست. به فرموده امام، حج آمریکائی یک سفر تفریحی برای دیدن قبله و مدینه، و برای تکرار یک سلسله الفاظ بی‌معنا و انجام یک سلسله حرکات بی‌محتوی است. حاجی نمی‌داند چرا دور خانه (کعبه) می‌گردد؟ نمی‌داند برای چه سعی بین صفا و مروه می‌کند؟

نمی‌فهمد که چرا احرام می‌بندد و نمی‌داند فلسفه رمی جمرات و قربانی کردن چیست؟

اینکه «چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد»^۲ هیچ ربطی به حج آمریکائی ندارد.

در دیدگاه حج آمریکائی، اینکه چگونه حقوق مسلمانان جهان و محرومان را باید از حلقوم ظالمین و چپاولگران بیرون کشید، ربطی به حج ندارد.^۳

اینکه مسلمانان باید به عنوان یک نیروی برتر در جهان مطرح شوند، هیچ ربطی به حج ندارد.^۴

اینکه مسلمانان باید با حکومت‌های وابسته چه کنند، هیچ ربطی به حج ندارد.^۵

این تفسیر امام از حج آمریکائی است.

اینکه مسلمانان فلسطین از دست رژیم اشغالگر قدس چه می‌کشند

هیچ ربطی به حج آمریکائی ندارد.

اینکه الآن مهمترین مسأله جهان اسلام این است که: زمامداران کشورهای اسلامی درصددند با رژیم اشغالگر قدس و قیحانه ارتباط برقرار کنند و آن کنفرانس صلح کذائی را توجیه نمایند و در این روزها بالاترین فشارها روی مسلمانان فلسطین و لبنان است، اینها هیچ ربطی به حج آمریکائی ندارد.

در آفریقا و افغانستان مسلمانان و محرومان چه می‌کشند، هیچ ربطی به حج ندارد و... چنین حجی حج آمریکائی است.

فلسفه حج ابراهیمی

از دیدگاه امام عزیز فلسفه حج ابراهیمی بسیار جالب و زیبا بیان شده است. اینک چند فراز از عبارتهای آن بزرگ مرد را در تبیین فلسفه حج ابراهیمی، برای شما عزیزان می‌آورم:

از دیدگاه امام: «حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است».^۶ جامع‌ترین جمله و بهترین تعبیری است که در فلسفه حج ابراهیمی می‌شود بیان کرد.

شما هر صحنه‌ای از صحنه‌های عشق‌آفرین را که بخواهید ترسیم کنید، جلوه‌گاهش حج است. جلوه‌گاه «جهاد»، «ایثار»، «از خودگذشتگی»، «شجاعت»، «شهامت»، «وحدت»، «ذکر»، «ارتباط با خدا»، «لقاءالله» و...

از دیدگاه امام حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و تنها حرکات، اعمال و الفاظ نیست، حج برای این نیست که چند سنگ و چوب را ملاحظه کنید و برگردید، حج برای این نیست که خانه را ببینید و برگردید. به این جمله‌ها و تعبیرها با عنایت و دقت بنگرید، امام می‌فرماید:

«فلسفه حج دیدن صاحب خانه است، خانه طریقت دارد، حرکات و اعمالی که آنجا انجام می شود، باید در این جهت باشد». از دیدگاه امام: «مناسک حج مناسک زندگی است و جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - ص - پیوند خورده و یکی گردد و ید واحده شود».^۷ حج تنظیم و تمرین و تشکل زندگی توحیدی است.

از دیدگاه امام: «حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جستجو نمود». سیاست اسلام را در همه ابعاد می شود از حج در آورد. این سخن امام است و حرف من نیست. شبیه این فرمایش امام، جمله رهبر عزیز انقلاب - تداوم بخش بحق راه امام - است که در حکم خود به بنده فرمودند: «فریضة حج بیت الله از جمله تکالیف نادری است که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی به شکلی باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانده شده و درست گزاردن آن می تواند او را به توفیقات بزرگی در همه عرصه های مادی و معنوی نائل سازد».

امام عزیز یکی از فلسفه های بزرگ حج را بُعد سیاسی آن می داند و می فرماید: «اهمیت بعد سیاسی حج کمتر از بعد عبادی آن نیست. بعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است».^۸

فلسفه حج باید پاسخگوی فریادهای مظلومانة فلسطین، آفریقا و افغانستان، و بلکه پاسخگوی همه مظلومان و مستضعفان جهان باشد. حج «قیام» است: «جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ».^۹

«بیتی است که برای قیام تأسیس شده است، آنهم قیام «ناس»، «للناس». پس باید برای همین مقصد بزرگ، در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقع شریف باید تعیین نمود».^{۱۰} ارزیابی و دیدگاه امام از حج، این است. منافع مردم این نیست که بروند آنجا مهر و تسبیح بیاورند، کالاهای

آمریکائی خریداری کنند، که امام تحریم کرده است. امام عزیز پیرامون آیه کریمه: «لِشَهِدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» که قرآن در آن فلسفه حج را تبیین می‌کند، اینگونه توضیح می‌دهد:

«چه نفعی بالاتر و بالاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم، کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد».^{۱۱}

آری این بالاترین نفع است. زائران بیت‌الله باید این آیه را فلسفه حج بدانند. امام همچنین پیرامون آیه «وَطَهَّرَ بَيْتِي لَطَائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ»^{۱۲} می‌فرماید: مقصود تنها پاک کردن از نجاسات ظاهری نیست. بیت خدا نه تنها باید از نجاسات ظاهری پاک و طاهر شود که از آلودگی و پلیدیهای معنوی که برای جامعه از هر چیزی زیان‌آورتر و خطرناکتر است، نیز تطهیر گردد. حج ابراهیمی آن حجی است که در جهت پاکسازی خانه خدا از نجاسات ظاهری و باطنی باشد. امام می‌فرماید: «مراد تطهیر از همه ارجاس است که بالاترین آنها «شُرک» می‌باشد و در صدر آیه کریمه بیان شده است».^{۱۳} «وَأَذْبَوْاْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي».

از دیدگاه امام، حج برای «ایجاد تفاهم و تحکیم وحدت اسلامی» است: «یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین، لازم است مسائل اساسی و سیاسی و اجتماعی را با دیگر برادران دینی در میان بگذارند و در رفع آن طرحهایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود، آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند».

و بالاخره از نظر امام: «حج، بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای

اجتماعی آن نترسند از صدف این دریاگوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند شد.^{۱۴} صلی الله علی روحک و بدنک یا امام، آیا می شود زیباتر، جامعتر و دقیقتر از این، در باره فلسفه حج سخن گفت؟

امام اضافه می کنند: «ولی چه باید کرد؟ و این غم بزرگ را کجا باید برد؟ که حج بسان قرآن مهجور گردیده است».

«حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت و حجبی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید حج نیست».

عزیزان! شما می توانید این غم را از روح مطهر امام پاک کنید. امام از میان مارت و ولی رسالت او بر دوش تک تک ما سنگینی می کند.

امام باقر - ع - جد بزرگوار امام امت، همه این حرفها را در یک جمله خلاصه کرده و در آن روزگار خفقان و سلطه حکومتهای جائز بر جهان اسلام، فرمود: «إِنَّمَا أَمِيرَ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَغْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ».^{۱۵}

«به مردم دستور داده شد که بیایند این سنگها را ببینند و دور آنها بگردند، برای اینکه در کنارش نزد ما - رهبر معصوم جهان اسلام - بیایند و خود را عرضه کنند، کمک خود را به ما اعلام کنند، و ما را در جریان مخالفت خود با بتهای جاندار حاکم بر جامعه اسلامی بگذارند».

امام باقر - ع - تعبیر به «احجار» می کند؛ یعنی حجبی که فلسفه نداشته باشد، حجبی که همراه با فلسفه حج ابراهیمی نباشد زیارت سنگ است.

امام امت فرمود: «در این مقطع زمانی، تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می دهد، انکار کنند و برائت از کفار و سردمداران آن را از وظایف خود در مواقع کریمه بدانند، تا حج آنها، حج ابراهیمی (ابوالانبیا) و حج

محمدی - ص - باشد، «ما اکثر الضحیح و اقل الحجیح» در باره آنان صادق است.^{۱۶}

این بخشی از مسائل پیرامون فلسفه حج و مبانی حج ابراهیمی از دیدگاه امام است. محتوای حج هم همینطور است. براساس این فلسفه و این مبنا، محتوا فرق می‌کند، زائران، خدمتگزاران و کارگزارانش هم فرق می‌کند. جمله‌ای در رابطه با محتوای حج عرض می‌کنم و سخنم را پایان می‌دهم. محتوای حج ابراهیمی از تلبیه گرفته تا رمی جمرات با حج غیر ابراهیمی متفاوت است. از دیدگاه امام، تمام اعمال، حرکات و سکنات حج، محتوای خاص، زنده، آموزنده و حرکت آفرین خودش را دارد و زائر وقتی می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ...» زمانی صادقانه و حقیقی است که گوینده تلبیه، ندای حق را به گوش جان بشنود و به دعوت «الله» تعالی پاسخ مثبت دهد.

مسأله، مسأله حضور در محضر است. لبیک را کسی می‌تواند بگوید که احساس حضور کند، شما هیچوقت در داخل اتاق در بسته که کسی نیست و مخاطبی حضور ندارد، نمی‌گوئید «بله!». بله، به کسی می‌گوئید که حضور دارد و شما را صدا می‌زند، صدا و دعوت او را بصورت شهود می‌بینید و می‌شنوید: مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب، گوئی که گوینده در این محضر از خود بی‌خود شده است.

خدا! آیا می‌شود برای یک لحظه هم که شده معنای حقیقی حج را و معنای حقیقی احرام را و مفهوم لبیک را درک کنیم؟

امام عزیز بگونه‌ای تصویر می‌کند که گوئی گوینده تلبیه در محضر خدا از خود بی‌خود شده و در جوار او، دعوت را تکرار می‌کند و به دنبالش سلب شریک، به معنای مطلق آن می‌نماید؛ یعنی خدا یا من مطلقاً برای تو شریک قائل نیستم، من هوسم را، هوایم را فدای تو می‌کنم، من دست از

طاغوتها و طاغوتچه‌ها برداشته‌ام، فقط به تو پاسخ مثبت می‌دهم؛ همانطور که امام صادق - ع - در آن حدیث منسوب به آن حضرت فرمود:

«وَأَحْرَمَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْتَنِعُكَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَيَحْجُبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ».

«موقعی که می‌خواهی احرام ببندی، احرام از غیر خدا ببند.»

«كَلِمَا سَعَلَكَ عَنِ اللَّهِ هُوَ صَنَمُكَ».

«هر چه برای تو دلبستگی ایجاد کرده بت تو است.»

هر چه که تو را از یاد خدا غافل و از محضر او دور می‌کند. میان تو و طاعت خدا حجاب می‌شود و... از همه آنها احرام ببند، همه آنها را بر خودت حرام کن، موقعی که لبیک می‌گوئی: «وَلَبَّ^{۱۷}، صادقه، خالصه ذاکیه لله - عز و جل - فی دَعْوَتِكَ مَتَمَسِّكاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»، در حالی که به عروۃ الوثقای ولایت چسبیدی - که همان تعیین‌کننده سیاسی اصلی حج است - خالصانه و صادقانه، به خدا لبیک بگو. و بگو خدایا! من آمده‌ام به تو «لبیک» و به غیر تو «نه» بگویم.

خدایا! آنطور که اولیای حج را می‌فهمند و از آن بهره می‌گیرند، ما را از حج بهره‌مند بگردان.

خدایا! به ما توفیق ده که حج را آنگونه که امام عزیز که در محضرش هستیم و روح مطهرش ناظر ما و محیط به ما است و طریقه این حج را ترسیم کرده است، به جا آوریم.

خدایا! انقلاب ما را به انقلاب جهانی امام زمان - عج - متصل و رهبر عزیز انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای را مؤید و منصور بگردان.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پاورقی‌ها:

- ۱ - «یادآور وقتی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این شهر مکه را مکان و محل امن قرار ده، من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار». - ابرهیم: ۳۵ -
- ۲ - پیام استقامت ص ۷.
- ۳ - «به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند». (پیام استقامت ص ۷)
- ۴ - «به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان، خودنمایی کنند؟!» (پیام استقامت ص ۷)
- ۵ - «به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند». (پیام استقامت ص ۷)
- ۶ - پیام استقامت ص ۸.
- ۷ - همان.
- ۸ - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۷.
- ۹ - مائده: ۹۷.
- ۱۰ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۳.
- ۱۱ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۳.
- ۱۲ - حج: ۲۶.
- ۱۳ - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۷.
- ۱۴ - پیام استقامت، ص ۸.
- ۱۵ - بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴. (ط. بیروت)
- ۱۶ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۶.
- ۱۷ - بمعنی اجابیه.

